

باختر امروز

« جریة باختر امروز »
 نشرة
 منظمات العیبة الوطنیة الایرانیة
 فی الشرق الاوسط
 المدد الواحد والخمسين
 السنة الرابعة
 آذار ۱۹۷۴
 المرحلة الرابعة

مؤسس : شادوان دکتر سید حسن فاطمی
 نشریه سزماهای جبهه ملی ایران در خروج از کشور
 « بخش خاورمیانه »

در شماره گذشته تحلیلی از دستاوردهای سه سال مبارزه مسلحانه آوردیم و در این شماره مطالبی از سازمانهایی که سهم عمده را در مبارزه سیاسی - نظامی سه سال گذشته داشته‌اند . ولی باید در هر لحظه بیاد داشته باشیم که دهها گروه دیگر و هزاران عنصر مبارز در کسب این دستاوردها سهیم بوده‌اند و بجااست که درود و سپاس خود را نثار راه همه مبارزین انقلابی خلق کنیم و در انتظار روزی باشیم که با پیوند عمیق این سازمانها و تشکیک همه عناصر ، جنبش اعتلا یابد .

اسفند ماه ۱۳۵۲

دوره چهارم

شماره ۵۱ - سال چهارم



بیاتیه سازمان چریکهای فدائی خلق

در باره نقش امپریالیسم ، صهیونیسم و سایر مرتجعین و ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی در منطقه امپریالیسم جهانی بسر کردگی امریکا درصدد اجرای نقشه‌های نوینی در منطقه ما میباشد ، جنگ ژوئن ۶۷ و کامیابی موقت صهیونیستها که با همکاری امپریالیسم امریکا تحقق یافت معادلات سیاسی پیشین را در منطقه برهم زد و مسائل نوینی را مطرح نمود .

پس از جنگ ژوئن ما شاهد اوج گیری بی‌مانند انقلاب فلسطین بودیم . این اوج گیری آنچنان سریع و همه گیر بود که امپریالیستها را شدیداً بوحشت افکند و از همان آغاز دشمن توطئه‌های نوینی را بر علیه نهضت فلسطین مدام بر پا داشته است ، این توطئه‌ها در رابطه با تشیت درونی انقلاب فلسطین منشا ضربات بسیاری بر پیکر آن گردید ، واقعه سپتامبر سیاه نقطه عطفی در تاریخ انقلاب فلسطین ایجاد کرد حتماً باید از جمع بندی نتایج آن استفاده نموده تنها با استفاده از نتایج شکستهای موقت است که میتوان راه پیروزی را یافت .

انقلاب فلسطین بعنوان یک عامل خارجی قوی و نزدیک مبارزین کشورهای ایران و ترکیه را که عناصر درونی کاملاً آماده‌ای داشتند وسیعاً مبارزه بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم جلب کرد .

بسیاری از مبارزین ما با اشتیاق بسوی فلسطین رهسپار شدند تا دوش بدوش برادران فلسطینی خود با صهیونیسم بیکار کنند . روی آوری مبارزین ایران و ترکیه بسوی انقلاب فلسطین و همچنین اوج گیری مبارزات مسلحانه در این کشورها امپریالیسم را به تکاپو واداشته است . هم اکنون امپریالیسم جهانی با کانونهای شورشی مشتعل در فلسطین ، عمان (ظفار) ، ایران ، ترکیه روبروست . بهمین خاطر امپریالیسم درصدد تدارک و طراحی یک برنامه ضد انقلابی هماهنگ در سطح منطقه است . کنفرانسهایی متعددی که در ایران ، این « جزیره باصطلاح ثبات و آرامش » از جانب امپریالیستها بر گزار میشود نشانه آنست که بطور کاملاً جدی مشغول طرحریزیهای نوینی بر علیه جنبشهای انقلابی منطقه هستند . مرتجعین همکار امپریالیسم در این برنامه‌های ضد انقلابی عبارتند از رژیمهای اسرائیل ، ایران ، اردن ، ترکیه

بقیه در صفحه ۲

دلیر دریند پشتیبانی میکنند ، نمونه کوچکی از آن تجمع مردم قهرمان در جلوی زندانها و مبارزه علیه تضيیقات دستگاههای امنیتی شاه میباشد ، همین چندی پیش بود که محافظین زندانهای قصر و قزل قلعه در تهران ، عادل آباد شیراز به مردم حمله کردند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند . از درون زندانها رفقا با وجود تمام محدودیتها یکدم از مبارزه نمی‌ایستند و مردانه با دستهای بسته بجنگ دشمن تا دندان مسلح میروند و در دل او هراس میافکنند . شرح این مبارزه قهرمانانه وصف ناکردنی است . دادگاههای فرمایشی ، احکام تیرباران ، حبس‌های طولی المدت ، شکنجه و آزار ددمنشانه و مبارزه دلیرانه باجان و تن رفقای اسیر . چه کسی ، کدام داستان ، میتواند این صحنه‌های عظمت را بیان کند ؟ هیچ شعری ، هیچ افسانه‌ای قادر نیست روشنی ، اوج گیری ، نفروکش و تب و تاب این شعله‌های فروزان را که یکدم آرام نمیگیرند تصویر کند . این ولوله خشم اسیران و این سرودهای زندان را کدام حماسه میتواند بیان کند ؟

بقیه در صفحه ۲



بیانیه سازمان مجاهدین خلق ایران

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران
 در باره توطئه‌های امپریالیستی - ارتجاعی در خلیج و منطقه

هموطنان عزیز
 ما در دوران خشم و حشویه بسر میبریم . امپریالیسم که از بیداری و قیام خلقهای تحت ستم بخشیم آمده و موجودیتش در نتیجه مبارزات مسلحانه رهایی بخش خلقها در هر گوشه جهان بخطر افتاده است ، بهر وسیله میکوشد تا چند صباحی دیگر سقوط حتمی خود را بتاخر اندازد ، و همچنان به اغارت منابع مادی و معنوی توده‌های زحمتکش جهان ادامه دهد . مین ما ایران که از جهات مختلف دارای اهمیت استراتژیک می‌باشد، همیشه در معرض طعمکاری‌های سرمایه داران بزرگ جهانی بوده است . کشور ما از سالها پیش بانواع گوناگون غارت شده و خلق زحمتکش ما ، در معرض شدیدترین استثمارها قرار گرفته است ،

بقیه در صفحه ۴



اعلامیه

سازمان آزادیبخش خلقهای ایران

از اسفند ماه ۴۹ که اولین دسته از رفقای چریکهای فدائی خلق در بیدادگاه حکومت فاشیستی شاه محاکمه و سپس تیرباران گردیدند تا امروز رژیم فاشیستی بدون وقفه مشغول صدور احکام تیرباران و حبس‌های طولی المدت بوده است . زندانهای ساواک و شهربانی در تهران و شهرستانها مملو از مبارزین و انقلابیون میباشد . بدون اغراق تعداد دستگیر شدگان در این مدت از رقم ده هزار تجاوز میکند . تجمع این تعداد کثیر زندانی سیاسی که بعد از ۲۸ مرداد سابقه نداشته و مبارزه بسی امان رفقا و هموطنان زندانی علمیزم شکنجه‌ها و تیربارانها باعث وحشت و هراس ارتجاع گردیده است ، بدین سبب ساواک و دادرسی ارتش علاوه بر تدابیر امنیتی خاص بمنظور در هم شکستن مقاومت دلیرانه رفقای زندانی هر روز به حیلها و فتنه‌های جدیدی متوسل میشود ، این مبارزه رنگین و پیچیده بشدت از سوی رفقای مبارز برای تبدیل زندانها بمدارس انقلاب و از طرف ارتجاع برای تبدیل آن به ندامتگاهها ادامه دارد . توده مردم و انقلابیون ایران از مبارزه رفقای

توضیحاتی درباره سازمان آزادیبخش خلقهای ایران

باختر امروز - سازمان آزادیبخش خلقهای ایران اولین عمل سیاسی - نظامی خود را در تابستان ۴۸ با مصادره بانک ایران و انگلیس آغاز کرده‌اهداف سازمان از این عمل شامل این نکات بسود :
 ۱ - نشان دادن ضربه پذیری رژیم
 ۲ - کار سیاسی با توجه به مساله نفوذ امپریالیسم انگلیس در ایران
 ۳ - تامین مالی با توجه به اصل تکیه بر خود پس از مدتی اکبر ایزدینا ، بعلت تماس با پارسا نژاد که از خارج به ایران آمده بود دستگیر میشود . سازمان علاوه بر نکات فوق برای آزاد

بقیه در صفحه ۵

این حق مسلم توده‌هاست که خسوت میرا لیسیم را با خسوت انقلابی ما بدهند

مبارزه رفقای اسیر سازمان آزادیبخش در این مدت بخش کوچکی از این نبرد عظیم را در بر میگیرد. در آذر ماه ۱۳۵۰ لطمه‌ای به سازمان مسا وارد شد و ۲۴ تن از رفقا دستگیر گردیدند، که مصداف با دستگیری های دستجمعی توسط ساواک بود. رفقای چندین سازمان و گروه انقلابی در زندان بر میبردند رژیم فاشیستی که تازه از خیمه شببازی دو هزار و پانصد ساله اش فارغ شده بود برای سرکوبی انقلابیون خود را آماده میساخت. ابتدا بمنظور همراه کردن افکار عمومی طی مصاحبه‌های رادیو تلویزیونی شروع به شایعه سازی و داستان سرایی درباره سازمانها و گروههای انقلابی نمود، تلاش دستگاههای امنیتی در مورد سازمان ما و سایر گروهها در چند نکته ذیل خلاصه میشود:

- ۱ - کوچک کردن و بی‌اهمیت جلوه دادن سازمانهای انقلابی از یک سو، بزرگ کردن دستگاههای امنیتی و نشان دادن هوشیاری آنها از سوی دیگر.
- ۲ - ارتباط دادن همه سازمانهای انقلابی به خارج از کشور و دور کردن اذهان مردم و افکار عمومی بین المللی از داخل کشور و تضادهای آن.
- ۳ - خلاصه کردن نهضت قهرمانانه توده‌های مردم ایران در چند سازمان و گروه.

تمامی اینها نشان دهنده وحشت رژیم از مبارزه خلقهای ایران و بخصوص مبارزه مسلحانه از یک طرف و فروری و خودبینی دستگاههای امنیتی بعثت لطماتی که به چند سازمان وارد شده بود از طرف دیگر میباشد و آنها که بقول خود غائله را ختم شده تلقی میکردند، پس از مصاحبه‌ها، دادگاههای ضد خلقی را بسرعت بکار انداختند و بیشتر از ۳۰ نفر از زندهگان سازمانهای مختلف تیرباران و تعداد کثیری به حبسهای طویل‌المدت محکوم گردیدند. اما دیدیم که چگونه تیربارانها و تهدیدهای ارتجاع بی اثر ماند، مبارزه خلقها در بیرون زندان و مبارزه انقلابیون در داخل زندان شدت یافت از سوی دیگر اعتراض افکار عمومی بین‌المللی در مقابل چنین کشتار وحشیانه‌ای به اوج خود رسیده بود. دفاع مردانه رفقا در درون زندانها و مبارزه و همبستگی آنها با یکدیگر در سخت‌ترین شرایط و نبرد دلیرانه در همه نقاط کشور و شکست تلاش مذبوحانه دشمن برای نفوذ در صفوف انقلابیون او را بر آن داشت تا از اسلحه دیگری استفاده کند. باین سبب از اوایل سال ۱۳۵۱ مشی تلویزیونی دستگاههای امنیتی همراه با تیربارانها بمشابه حربه دیگری برای انقلابیون بکار گرفته شد و بر اثر فشار و شکنجه و وعده و وعید و بالاخره ضعفهای درونی، ابراز ندامت عده قلیلی خیانت پیشه آغاز گشت. در آن هنگام هنوز نوبت محاکمه رفقای ما فرا نرسیده بود که رژیم با حمله سبعاچه بر رفقا برنامه کار خود را با آنها آغاز کرد. انتقال رفقا از عمومی به انفرادی، شکنجه و آزار روحی و جسمی همراه با وعده و وعید برای تسلیم کردن رفقا در برنامه روز قرار گرفت هر چند که مثل همیشه شیوه قهر ارتجاعی عمده بود. پس از چند ماه که ساواک تصور میکرد موفقیت‌هایی بدست آورده است ناگهان متن دفاعیات رفقا بدست آنها افتاد (معمولاً رفقا مخفیانه متن دفاعیات خود را قبل از تشکیل دادگاهها تهیه میکنند). لو رفتن دفاعیات رفقا موجب حمله شدید جانیان ساواک گشت و با پیدا کردن وسائل خودکشی بر مراقبت و سختگیری اضافه شد و دادگاه دوباره به تعویق افتاد. در همین اوان رفیق سیروس نهاوندی که چند بار بر اثر شکنجه‌های مأمورین ساواک تا دم مرگ رفته بود به بیمارستان منتقل میشود و پس از مدتی با فریب دادن درخیمان ساواک موفق به فرار میگردد. عکس‌العمل ساواک وحشیانه بود رفقای زندانی را مورد شدیدترین شکنجه‌ها قرار دادند حتی افراد خانواده او را دستگیر و مورد آزار قرار دادند. این وضع تا

فروردین ماه ۱۳۵۲ ادامه مییابد. بالاخره اولسین علامت ضعف در دو نفر بروز میکند و جنایتکاران ساواک که با مقاومت قهرمانانه بقیه رفقا دربرو گردیده و شکنجه‌ها و فریبکاریهای آنها بی‌اثر مانده بود مقدمات دادگاه باصطلاح علنی را برای هفت نفر از آنها فراهم آورد و در مورد محاکمه بقیه رفقا سکوت کرد. قبل از شروع دادگاه رژیم فاشیستی به تبلیغات وسیعی در مورد باصطلاح علنی بودن آن می پردازد. ما در اعلامیه مورخه ۱۵ اردیبهشت ماه پرده بر چهره این عوام فریبی برداشتم و به‌ماهیت ضد خلقی و توطئه‌گرانه این دادگاه اشاره کردیم. اکنون می‌توانیم بطور مشخص ماهیت این توطئه را بر ملا کنیم:

- ۱ - در این دادگاه باصطلاح علنی فقط معدودی خوشاوندان بلافصل رفقا بعلاوه تعدادی باصطلاح خبرنگار داخلی سرسپرده و چند خبرنگار بدون مترجم خارجی حق شرکت داشتند. این خبرنگاران فقط در همان جلسات اول دادگاه شرکت می‌جویند و در جریان محاکمه بعثت نداشتن مترجم و عدم امکان هرگونه تماسی با متهمین سرگرم خواندن روزنامه بوده‌اند. فقط یکی از خبرنگاران در یک لحظه از فرصت استفاده کرده از خانواده یکی از رفقا با زبان انگلیسی می‌پرسد چه خبر است بمن بگویند؟ که فوراً با عکس‌العمل شدید مأمورین ساواک روبرو میگردد. تمام افراد دیگری را که برای شرکت در این دادگاه باصطلاح علنی آمده بودند دستگیر کرده و مورد توهین و ضرب و شتم و بازجویی قرار میدهند: دستگیر شدگان توسط ساواک: صدیقه رضائی خواهر گرامی خانواده قهرمان رضائی، مادر گرامی خانواده قهرمان رضائی، آقای خرازی و برادرانش، خانم بهجت مهرآبادی، یک روحانی جوان و زن ناشناس و تعدادی افراد دیگر. در بازندهای بدنی و قبحانه که توسط مأمورین مرد و زن از خانواده رفقا بعمل میامد هرگونه وسیله تحریر از قبیل مداد، کاند، خودکار حتی تقویم و دسته چک ضبط میشده است تا مبدا از جزئیات این دادگاه باصطلاح علنی کوچکترین یادداشتی برداشته شود.
- هرگونه تماس بین رفقا و خانواده شان غیر ممکن بوده است.
- و اما در مورد آنچه که در دادگاه باصطلاح علنی بعنوان ایدئولوژی و برنامه سیاسی سازمان و اعمال سازمان آمده است لازم میدانیم چند نکته‌ای را روشن سازیم.

سازمان ما در اولین نشست خود در تیر ماه ۱۳۴۷ ایدئولوژی خود را مارکسیسم - لنینیسم میخواند و این ایدئولوژی چه در خطوط سیاسی سازمان و چه در عمل انقلابی همواره همچون پرچم سرخی راهنمای ما بوده است. برنامه سیاسی ما دگرگونی بنیادی جامعه ایران و آزاد ساختن خلقهای ستمدیده از یوغ امپریالیسم جهانی و مرتجعین داخلی از طریق مبارزه قهرآمیز بوده است.

در مورد کار تحقیقاتی ما بعنوان سازمان انقلابی و کمونیستی وظیفه دائم و همیشگی خود میدانیم که همواره در کار تحقیق اوضاع عینی و ذهنی جامعه و شرایط بین‌المللی برای تحقق بیروزی در امر انقلاب باشیم. در اینجا باید توضیح داده شود که علاوه بر این تا اوایل سال ۱۳۵۰ بخشی از این تحقیقات برای بررسی و شناخت منطقه‌ای بمشابه ضعیف‌ترین حلقه زنجیر دشمن جهت ایجاد پایگاه انقلابی بوده است. ما بعنوان یک سازمان انقلابی معتقدیم بدون بررسی و تحقیق دائمی نمیتوان پیروزی بدست آورد.

در مورد کار توده‌ای خط مشی ما پیوند با توده‌ها بوده است باین منظور رفقا بخصوص روشنفکران بروسناها و کارخانه‌ها رفته و به هیات توده‌ها در آمده با شرکت در زندگی، کار، تفریح و بالاخره مبارزه آنها توده‌ها را برای مبارزه بسیج میکردند. ما بمشابه یک سازمان م - ل کار درین توده‌ها چه قبل و چه در جریان مبارزه مسلحانه را ضروری میدانیم و معتقد هستیم اخر الامر بدون جنبش و شرکت وسیع مسلحانه توده‌های

خلق انقلاب هرگز پیروز نخواهد شد.

در مورد اعمال مسلحانه که توسط سازمان صورت گرفته و بان در دادگاه اشاره شده یکی مصادره بانک امپریالیستی ایران و انگلیس در خرداد ماه ۴۸ و دیگری طرح کروگان گیری سفیر جنایت پیشه امریکا در بهمن ۴۹ که عمل اول بمنظور:

- ۱ - برطرف کردن برخی احتیاجات مالی.
- ۲ - شناسایی دشمن در برخورد مسلحانه (چون این اولین عمل مسلحانه شهری بود باین منظور بانک نزدیک کلاستر ۷ انتخاب شد) و دوم بمنظور آزاد ساختن زندانیان سیاسی و ضربه زدن به دشمن بوده است. ما بمشابه یک سازمان کمونیستی که معتقد بمبارزه مسلحانه است و میداند که انقلاب ایران جز از طریق قهر هرگز پیروز نخواهد شد معتقد به این اعمال قهرآمیز بوده و آنرا امری درست میدانیم و معتقد هستیم که این خود بخشی از مرحله تدارک جنگ توده‌ای میباشد و باید به اعمال قهر آمیز مبادرت ورزید. در مورد اموال امپریالیستها و دست نشاندگان آنها این حق را بخود میدهیم که اموال مرتجعین و امپریالیستها را بنفع خلق و در راه انقلاب قهر آمیز ایران مصادره کنیم. در مورد کروگان گرفتن سفیر امریکا معتقد هستیم که سفراء و نمایندگان کشورهای امپریالیستی و کشورهاییکه بنحوی از انحاء بادامه تسلط رژیم فاشیستی شاه کمک میکنند از نظر خلق ایران بهیچ وجه دارای مصونیتی نبوده و شریک جنایات رژیم میباشد و در حکم جنایتکاران به خلقهای ایران محسوب میشوند باین سبب خلقهای ایران و نیروهای انقلابی میتوانند و باید این جنایتکاران را مجازات کنند.
- در مورد ارتباط سازمان ما با خارج و بیگانگان: ما معتقد هستیم که مبارزه خلق ایران از مبارزه خلقهای ستمدیده دنیا جدا نیست، خلقهای مبارز سراسر دنیا با مبارزه خود علیه امپریالیسم و ارتجاع بامر انقلاب در هر کشوری کمک میکنند. معدودترین و اساسی ترین کمک نیروهای انقلابی خلقهای ایران به خلقهای ستمدیده دنیا مبارزه قاطعه علیه امپریالیسم و مرتجعین در خود ایران است. همچنانکه خلق قهرمان وبتنام و خلق فلسطین با مبارزه خونین و قاطعانه خود علیه امپریالیسم امریکا بمه نیروهای انقلابی دنیا و امر مبارزه کمک میکنند.
- ما معتقد باصل اکتاف بخود میباشیم هرگاه آستینها را بالا نزنیم و قاطعانه و بطور قهرآمیز علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه نکنیم قادر نخواهیم بود به جنبش جهانی ضد امپریالیستی کمک کرده باشیم. تمامی این حقایق توسط ساواک چه در مصاحبه‌ها و چه در دادگاه باصطلاح علنی تحریف گردیده است و هو و جنجال و کژابی دستگاههای امنیتی بمنظور لطمه زدن به سازمان ما و بخصوص به مبارزه مسلحانه بوده است. هدف ارتجاع ازیک سو بدنام کردن سازمانها و انقلابیون و از سوی دیگر تجزیه نهضت میباشد.
- اما اوضاع نهضت چگونه است؟ بدون اغراق و بدون هیچگونه خوشبینی علیرغم کشتار بیرحمه و پورش ارتجاع به نیروهای انقلاب، اکنون جنبش از عده معنودی، راه به جمع کثیری پیدا کرده است و در مقایسه با گذشته نه تنها از لحاظ کمی بلکه از نظر کیفی نیز بدرگونی عظیمی نائل آمده است. مبارزه مسلحانه بعنوان تنها راه آزادیبخش خلقهای ایران مورد تأیید همه گروهها و فعالین قرار گرفته است. مبارزه روشنفکران بصورت فعالیت مخفی و عانی گسترش بیسابقه‌ای یافته است. مبارزات کارگران ستمدیده ایران در هشت ماه گذشته به چنان اوجی رسیده که تا قبل از ۲۸ مرداد بیسابقه بوده. مبارزات توده عظیم دهقانان که بر اثر استثمار شدیدی زالوهای جدید و رژیم بجان آمده‌اند مرحله دیگری وارد شده و در چند نقطه هرچند خودبخودی به عالیترین شکل خود یعنی مبارزه مسلحانه ارتقاء یافته است.

بقیه بیانیه چریکهای فدائی

عمان (مستقط) ، و سایر مرتجعین منطقه . این حکومتها تمامشان دارای منافع مشترک و همگی مقاصد ضد انقلابی مشترکی دارند . این رژیمها عملا ماهیت ضد انقلابی خود را نشان داده اند . هدف امپریالیسم متحد کردن این نیروهای مرتجع و ایجاد یک مبارزه ضد انقلابی هماهنگ در منطقه است .

اتحاد سیاه امپریالیسم ، صهیونیسم ، ارتجاع میگوید با منفرد کردن مواضع سیاسی و نظامی جنبشهای منطقه یک بیک آنها را نابود سازد . از اینروست که متقابلا تمامی نیروهای منطقه باید نه بطور مجزا بلکه بصورت یکپارچه و متحد عمل نمایند ، تجارب چند سال اخیر عملا بما آموخته است که پیروزی منفرد یک جنبش در شرایط اتحاد امپریالیستی بسیار مشکل و شاید امری محال باشد . در مقابل وحدت نیروهای ضد انقلابی در منطقه ما نیز باید در فکر مبارزه هماهنگ و متحد باشیم .

« نقش رژیم ایران در منطقه »

سرزمین ایران بظواهر موقعیت ژئوپولیتیکی خاصی که دارد سخت مورد توجه امپریالیسم است و منضم بر آن وجود ذخایر عظیم نفت (۷۰ درصد ذخایر نفت جهان در منطقه خلیج فارس میباشد) پویزه در شرایطی که مسئله انرژی برای امپریالیسم بصورت یک امر حیاتی روزمره در آمده است عامل مهم دیگری برای توجه شدید امریکا به سرزمین ایران میباشد . اینها دلایل عمده ایست که ایران را بصورت عمده ترین نقطه توجه در آورده است . بنا به دلایل ذکر شده سرمایه گذاری نظامی امریکا بسیار سنگین است ، پایگاههای متعدد هوئی در بسیاری از نقاط ایران برپا شده است . این پایگاهها شامل پایگاه وحدتی دزفول ، پایگاه شاهرخ همدان ، پایگاه خانه میباشد همچنین ایستگاههای گوناگون کنترل رادار برای هدایت اقمار مصنوعی و هواپیماهای دور پرواز در اقصی نقاط ایران برپا شده است . در جریان جنگ ژوئن سال ۶۷ تعدادی از هواپیماهایی که بکشورهای عربی حمله کردند از همین پایگاهها برخاسته بودند . هم اکنون بمنظور سرکوبی جنبشهای مترقی خلیج فارس پایگاههای نظامی متعدد دریائی و هوائی در کرانههای خلیج در دست ساختمان است . رژیم ایران بمشابه یک رژیم دست نشانده و کاملا وابسته به امپریالیسم با برقرار ساختن سیستم دیکتاتوری فاشیستی در داخل کشور زمینه را برای هرگونه اقدام امپریالیستی مهیا ساخته است .

امپریالیسم دیگر مانند گذشته باشغال مستقیم مناطق نمی پردازد . البته این بشرطی است که بتواند رژیم وابسته ای را بخلقها تحمیل نماید ، ایجاد حکومتهای دست نشانده محلی به بهترین وجهی مقاصد آنها را تأمین مینماید . هم اکنون رژیم ایران - این مزدور امپریالیسم - بعنوان یک ژاندارم منطقه ای درآمده است . سفارش بیش از ۷۰ هلیکوپتر توپ دار امریکائی و سایر تجهیزات نظامی بمبلغ ۳ میلیارد دلار قطعا تنها برای سرکوبی جنبشهای داخلی نیست . این تجهیزات بمنظور استفاده ضد انقلابی در سطح منطقه خریداری شده است . انتصاب ریچارد هلمز رئیس سابق سازمان سیا سفارت امریکا در ایران تشانه اهمیت است که امریکا برای نقش ایران در منطقه قابل است . سرویسهای جاسوسی ایرانی که در حقیقت شعبات سازمان سیا امریکا هستند ، بفعالیات اطلاعاتی در سطح منطقه مشغولند و توطئه های گوناگونی را بر علیه عناصر و سازمانهای انقلابی منطقه طرح ریزی

میکند ، اغلب نمایندگان مطبوعاتی و بازرگانی ایران در کشورهای عربی و شیخ نشینهای خلیج فارس مأموران اطلاعاتی سیا هستند .

رژیم ایران هم اکنون عملا در مبارزه ضد انقلابی منطقه اعمال قدرت مینماید ، طبق یک برنامه امپریالیستی جای خالی انگلیس را در خلیج ، رژیم ایران با مستشاری امریکا بعهده گرفته است . هلیکوپتر های ایرانی که از پایگاههای سواحل خلیج فارس بر میخیزند بطور مداوم محمولات اسلحه انقلابیون عمان (ظفار) را موزد حمله قرار میدهند وینازگی یک هنگ چتر باز ایرانی در مستقط عملا وارد فعالیتهای نظامی بر علیه انقلابیون عمان در منطقه ظفار شده است . قصد رژیم ایران آن است که در زیر پوشش حفظ امنیت خطوط دریائی حمل و نقل نفت ، جنبش مترقی و انقلابی عمان (ظفار) را سرکوب سازد ، در چنین شرایطی تمام نیروهای انقلابی منطقه باید با تمام امکاناتی که در اختیار دارند چه سیاسی ، چه اقتصادی و چه نظامی به یاری خلق عمان در ظفار بشتابند .

« درباره روابط ایران و اسرائیل »

ایران و اسرائیل بصورت دو پایگاه عمده امپریالیسم در منطقه عمل مینمایند . رژیم ایران بنا به دلایلی که ذکر خواهد شد از شناسائی کامل دیپلماتیک اسرائیل خودداری میکند بطوریکه اسرائیل در ایران سفارتخانه ندارد . این عدم شناسائی ظاهری بدو دلیل زیر است : اول آنکه خلق ایران بعزت پیوندهای دیرینه سنتی ، دوستی عمیقی با خلق عرب در سینه دود ، از این دو شناسائی کامل اسرائیل از جانب ایران موجب برانگیخته شدن خشم خلق بر علیه رژیم میشوند .

دوم اینکه در شرایطی که امپریالیسم و صهیونیسم بطور رودر روی در مقابل اعراب صف آرائی کرده اند بسیاری از امکانات نفوذی علنی خود را در کشورهای عربی از دست داده اند ، بهمین دلیل رژیم ایران رسالت برقراری ستون پنجم صهیونیسم را در داخل خاک کشورهای عربی بر عهده گرفته است .

رژیم ایران در ظاهر دم از همکاری با اعراب میزند و میگوید اعتماد حکومتهای عربی را به سوی خود جلب نماید . رژیم ایران برنامه بسیار پیشرمانه و زیرکانه ای را در مقابل خلقهای عرب در پیش گرفته است . رژیم ایران با بیان حمایت از منافع اعراب در سازمان ملل و امضای قطعنامه های رنگارنگ موضعی ظاهری بسود اعراب میگردد ، البته این موضع گیری به هیچوجه نتایج عملی ندارد چون تمامی قطعنامه های سازمان ملل بدون ضمانت اجرا صادر میشوند . با همین مانورهای فربکارانه رژیم ایران روابط دیپلماتیک خود را با دولتهای عربی حفظ کرده و در شرایطی که بعابت قطع روابط دیپلماتیک اعراب با امریکا ، عناصر امریکائی از کشورهای عربی اخراج شده اند وظایف مأموران امریکائی بعهده عوامل ایرانی گذارده شده است . مأموران ایرانی با استفاده از مناسبات دیپلماتیک و مصنوئتهای گوناگون بهترین تسهیلات را در اختیار سرویسهای اطلاعاتی امریکا و اسرائیل قرار میدهند .

ایران و اسرائیل بظاهر نسبت بهم یکتوئع شناسائی دو فاکتو دارند ولی در اصل روابطی بسیار عمیق دارند . همکاریهای اقتصادی ایران و اسرائیل که هنوز روابط کامل دیپلماتیک برقرار نکرده اند از همکاریهای ایران با مجموعه کشورهای عربی بیشتر است ، شرکتهای اسرائیلی غالبا با نام سایر کشورها در ایران به ثبت رسیده اند . در مدارک رسمی اسامی زیادی از شرکتهای اسرائیلی به چشم نمینخورد در حالیکه در بسیاری از شرکتهای سرمایه های صهیونیستی فعالیت دارند .

صفحه ۲

تأسیسات بی سیم و سازمان امنیت کارخانه موتورولای اسرائیل ساخته شده یک شرکت مختلط امریکائی و اسرائیلی شده است .

تأسیسات عظیم مخابراتی تهران توسط شرکت هدیش - راسکو اسرائیل ساخته میشود . پلیس و ساواک ایران درست از طرف کارشناسان امنیتی اسرائیلی اداره میشوند ، سلاحهای اتوماتیک پلیس ایران پوزی ساخت اسرائیل است . فعالیتهای کشاورزی اسرائیل در مناطق شمالی و جنوبی ایران بسیار وسیع است و اراضی بسیاری تحت کشت مکانیزه توسط اسرائیلیان قرار دارد . فعالیتهای کشاورزی مدرن در دشت قزوین و نواحی جیرفت توسط کارشناسان و افراد اسرائیل اداره میشود .

صهیونیستها در ایران با تشکیل انجمنهای طرفدار اسرائیل در جهت تشکیل یهودیان و فرستادن جوانترین و فعالترین عناصر جامعه یهود ایران با اسرائیل فعالیت میکنند ، و باین ترتیب نیروی انسانی جوان و فعالی را برای خدمت در اختیار اسرائیل میکنند ، و رژیم ایران در این جهت همه گونه تسهیلاتی در اختیار آنها قرار میدهد .

سرمایه داران یهودی ایرانی مانند « القانیان و اریه » همه ساله میلیونها دلار بعنوان کمک رژیم اسرائیل پرداخت میکنند و رژیم ایران از این عمل نه تنها جاوگیری نمیکند ، بلکه با تخفیف های مالیاتی این کمکها را تأیید میکند . مهمتر از همه اینکه سوخت ماشین جنگی اسرائیل توسط ایران تأمین میشود . سوختگیری بمقصد اسرائیل از جزیره خارک صورت میگردد و این عمل مخفیانه انجام میگردد و این بخاطر حفظ مناسبات حسنه با دول عربیست . هیچکس نمیداند کدامیک از دهها کشتی نفت کش بمقصد اسرائیل بارگیری شده اند . معمولا از کشتیهای سایر ملتها استفاده میشود . ظاهرا دولت ایران نفت را بکشور ثالثی میفروشد و آن کشور نفت را در اختیار اسرائیل قرار میدهد . باین ترتیب معمولا مقصد کشتیها مشخص نمیشود و در تعرفه رسمی هیچوجه نامی از اسرائیل وجود ندارد .

اینها همگی بازگو کننده تشکیل یک محور شوم امپریالیستی در منطقه ماست . محور شوم ایران - اسرائیل ، وظیفه تمام نیروهای ضد امپریالیستی منطقه است که بر علیه این محور شوم متحد شده و بمبارزه برخیزند .

مبارزین ایرانی در زمینه مبارزه بر علیه این محور شوم سهم خود را ایفاء کرده و خواهند کرد . ما بارها تأسیسات اسرائیلی را در ایران مورد حمله قرار داده ایم ولی رژیم ایران باسیاست سکوت خود در قبال این عملیات میکوشد از تاثیر بخشی آنها بکاهد . ما بعملیات خود بر علیه منافع صهیونیسم در ایران و هر نقطه دیگری که بتوانیم اقدام خواهیم کرد . این عملیات با هدف عمومی ما که اتحاد نیروهای انقلابی منطقه در عمل بر علیه دشمن است کاملا منطبق میباشد و ما به آن عمل خواهیم کرد .

ما اعتقاد راسخ داریم که امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع با تمام فتنه گرهایشان محکوم به نابودی هستند . این حکم تاریخ است و با دستهای متحد خلق ما این حکم اجراء خواهد شد .

- « با ایمنان به پیروزی »
- « مرگ بر امپریالیسم جهانی »
- « مرگ بر صهیونیسم و سایر مرتجعین منطقه »
- « مستحکم باد اتحاد نیروهای انقلابی منطقه ما »

چریکهای فدائی خلق
شهریور ۱۳۵۲

ظفر مند باد جنك عادلانه خلق

بقیه بیانیه سازمان مجاهدین

و هر بار که برای احقاق حقوق خویش بشکل مسالمت آمیز و با قهر آمیز اقدام کرده، با توطئه های کوناگون و در اثر کمبود تجارب انقلابی سرکوب شده است. اما نتیجه این سرکوبها جز استقامت و بیداری بیشتر خلق قهرمان ما نبوده است. امروز خلق ما به عالیترین شکل مبارزه سیاسی یعنی مبارزه مسلحانه خلق روی آورده و در اینراه با اتکاء بمبارزات یگانه خود و با پشتوانه خون شهیدان گرامی خویش و همگام با دیگر خلقهای انقلابی جهان و با استفاده از تجارب بسنیار کرانهای آنان با استقامت تمام بسوی پیروزی راه میسپرد. در منطقه خاورمیانه که بخصوص از لحاظ تامین مواد خدام و بازار فروش، برای جهان سرمایه داری اهمیت بسیار دارد، هم اکنون مبارزه های آشتی ناپذیر بین نیروهای انقلابی و ضد انقلابی در جریان است. نیروهای انقلابی بیشکام خلق عرب بخصوص در فلسطین و در جنوب شبه جزیره عربی و خلیج با وازد آوردن ضربات مهلک به امپریالیسم جهانی راه را بسوی آینده تابناک خلقهای منطقه میکشایند. کوشش خلقهای انقلابی منطقه برای بدست گرفتن سرنوشت خویش و کوتاه کردن دست غارتگران متجاوز و بیرون راندن امپریالیستها از منطقه، دزدان بین المللی و نوکران محلی آنانرا بشدت بخشم آورده است. آنها مانند گرگ زخم خورده و وحشیانه به خلقها هجوم میبرند، توطئه میکنند و ملیونها انسانرا بجزیر آتش و بمب میکشند تا با گرسنگی، فقر و کشتار انسانیهای دیگر، وسائل عیش و نوش بیشتر خود را فراهم سازند.

امپریالیسم جنایتکار و فرتوت انگلستان پس از دهها سال مکیدن خون ملت های این منطقه و غارت منابع مادی و انسانی آنان جای خود را بعنوان مهمترین قوت استعمارگر به امپریالیسم امریکا سپرد و هر دو بهمدستی یکدیگر بیش از گذشته بغارت توپهها پرداختند. امپریالیسم انگلستان و امریکا نوکران دست پرورده خود را به حفاظت از منافع خویش گماشتند و آنانرا بنام شاه و ملک سلطان و شیخ جاو انداخته و خود بصورت طراح اصلی توطئه های ضد خلقی پشت سرآنان قرار گرفتند. تامین نفت مورد نیاز غولهای سرمایه داری جنگ افروز در سرلوحه و طائف امپریالیسم و ارتجاع جا گرفت. سیل اسلحه و جاسوسان و طرحهای ضد انقلابی و توطئه های پیاپی بسوی منطقه سرازیر شد و برنامه ایجاد پایگاههای تجاوزی علاوه بر اسرائیل شامل ایران و سعودی و اردن و سلطان نشین عمان نیز گشت. پس از پیروزی جنگ خلق در بخش جنوبی یمن و تاسیس جمهوری دموکراتیک خلق یمن و شعله ور شدن انقلاب مسلحانه در منطقه خاور و عمان و خلیج و پس از اوجگیری مبارزه مسلحانه خلق قهرمان فلسطین و رشد جنبش آزادیبخش عربی و با شروع مبارزه مسلحانه در ایران، منطقه خاورمیانه بیش از پیش مورد توجه امپریالیسم جهانی قرار گرفت. برای خاموش کردن انقلاب فلسطین صدها تیرگ و خیانت انجام شد و سرانجام همه آنها در برخورد با سخره مقاومت این خلق دلیر و پر تحمل نقش برآب خواهند گردید.

اما امپریالیسم و ارتجاع محلی در سراسر منطقه به تلاشهای ضد خلقی خود مشغولند، مجربترین مفرهای امپریالیسم برای سرکوبی انقلاب تلاش میکنند، فعلا نه سلاحهای نابود کننده را برای دست نشاندهگان خود در منطقه گسیل میدارند و ارتجاع عرب در برابر خواستهای دشمنان زانو میزند. امپریالیسم و همدستان مطیش میکوشند دست آوردهای خلق مبارز عرب را که در فرصت گوناگونیها آنگیز گشته حاصل کرد از بین ببرند و دوباره او را در یاس فروبرند. بدین ترتیب کنفرانس باصطلاح صلح تشکیل میشود، حقوق قانونی خلق فلسطین برای بدست گرفتن سرنوشت خویش و نسبت به سراسر فلسطین، عملاً نادیده

گرفته میشود و تلاشهای همه جانبه ای در جهت متفرد کردن انقلاب فلسطین برای از میان برداشتن این مانع عظیم خواستهای امپریالیسم و ارتجاع جریان پیدا میکند. برای قبولاندن طرحهای تسلیم طلبانه فشارهای مختلف به خلق عرب وارد میشود. اما تاریخ نشان داده است که امپریالیستها و برتجعین، مسیر مبارزه خلقها را بدرستی تشخیص نمیدهند و خلقها سرانجام پیروز خواهند شد.

هم اکنون امپریالیسم در خلیج چه هدفی را دنبال میکند؟ قبل از هر چیز تامین نفت مورد نیاز جهانخواران و ادامه غارت منابع نفتی متعلق به خلقهای محروم این منطقه. برای تحقق این هدفهای شوم ابتدا باید انقلاب رهایی بخش خلقهای منطقه را سرکوب کرد. باید بر تعداد پایگاههای نظامی تجاوزکارانه نظامی افزود باید نیرو و مستشار و سلاحهای سنگین و سبک به منطقه فرستاد و باید دست نشاندهگانی را که نقش حافظ منافع امپریالیسم و زاندارمی خلیج بدانان محول شده تقویت نمود. بدین ترتیب پشتیبانی بیدریغ امریکا و انگلیس و دیگر امپریالیستها از رژیم شاه و سایر رژیمهای دست نشانده محلی بعنوان پایگاههای امپریالیستی از دیر باز شروع شده و ادامه دارد. امروز شاه افتخار میکند که بقیمت بفروش رساندن زمین و بحراج گذاردن منابع مادی و انسانی ایران نظر اربابانش را تامین کرده و سپس توضیح میدهد که «بنازه این اقدام انتظار هیچگونه پاداش رانداورد». در حقیقت شاه برای دشمنان مردم بیش از خود آنها دلسوزی نشان میدهد. شاه این دشمن قسم خورده خلقهای منطقه اعلام میکند که برای سرکوبی انقلاب رهاییبخش خلق عرب در عمان (ظفار)، به قابوس کمک نظامی و تسلیحاتی کرده و خواهد کرد. شاه امروز خرید ۸ میلیارد دلار اسلحه (۴ میلیارد دلار از امریکا و ۴ میلیارد دلار از انگلیس) بزرگترین قراردادخانه را در منطقه خلیج براه انداخته است. رژیم شاه بعنوان بخش مهمی از پایگاه امپریالیسم در منطقه خلیج، با گسیل هزاران نفر از نیروهای نظامی خود برای مقابله با انقلاب خلق عمان و خلیج و محاصره نظامی جمهوری دموکراتیک خلق یمن همراه با ناوگان دریایی امریکا و بسیج پایگاههای نظامی امریکا در بحرین و عربستان سعودی و متحد با نیروهای نظامی استعمارگران انگلیسی و همپیمانان دست نشانده محلی آنان، خود را آماده یک تجاوز همه جانبه وسیع علیه خلق مبارز عرب در جنوب شبه جزیره عربستان مینماید.

اقدامات اخیر شاه که بدنبال تجاوزات پیاپی او در اشغال جزایر تب بزرگ و کوچک و ابو موسی و ام الفتن و گوری موری صورت میگردد، نشان دهنده وسعت و اهمیت نقش خرابکارانه ایست که امپریالیسم بهمه شاه گلزوده است. هم اکنون رژیم شاه افکار عمومی مردم ایران را آماده حمله احتمالی علیه جمهوری دموکراتیک خلق یمن و انقلاب خلق عمان و خلیج مینماید. جنگ تبلیغاتی شدید رژیم ایران علیه یمن دموکراتیک و ادعای «ضد دینی» بودن آن و با کشتار باصطلاح «روحانیون» در حضرموت و کمک به «خرابکاران» و برهم زدن «امنیته خلیج» و... چیزی جز مقدمه یک حمله وحشیانه علیه انقلاب اصیل یمنی است. عرب در این منطقه نیست. از طرف دیگر قابوس بدستور اربابان خود همه مناطق ساحلی عمان را در اختیار قوای نظامی شاه قرار داده است تا در تجاوزات نظامی شاه علیه انقلاب در منطقه خلیج از آنها استفاده شود.

رژیم دست نشانده شاه، با همه تلاشی که بیاری اربابان خود بکار برده است، نتوانسته جنبش مسلحانه خلق قهرمان ما را سرکوب سازد و تمام برنامه های باصطلاح انقلابی اش رسوا گشته و مسلماً وجود ۲۴ هزار پرسنل نظامی امریکا در ایران حتی با وجود سفیری مانند هلمز (رئیس سابق سازمان سیا و مسئول پلیسی - نظامی امریکا در منطقه) و هزاران کمک دیگر نخواهد توانست سر انقلابی خلق ما را متوقف سازد. نزدیک به

سال است که خلق ما با اتخاذ شیوه مبارزه مسلحانه نوده ای بعنوان عالی ترین شکل مبارز سیاسی و تنها راه رهایی، میکوشد این پایگاه استعماری را از درون منهدم سازد و بسیم خویش را در مبارزه جهانی علیه امپریالیسم فعلا نه بانجام رساند. طی این مدت در پرتو شرایط انقلابی جامعه ما و عمل پیش گامان مسلح خلق، میزان هوشیاری توده رشد کم سابقه ای یافته بطوریکه آینده جنگ دراز مدت خلق ما در جامعه ما نوید میدهد. خلق ما با احساس همبستگی عمیق اخبار عملیات انقلابی را در جنوب شبه جزیره عربستان (یمن دموکراتیک و عمان) و در فلسطین دنبال میکند و خود را در سرنوشت خلق برادر عرب، شریک میداند.

خلق ما با خشم تمام، دخالت های شاه را در خلیج و اعزام اجباری جوانان مهن را برای جنگ، بر علیه انقلاب خلق عمان و خلیج، محکوم میکند. خلق ما حمایت کامل خود را از انقلاب مسلحانه خلق مستمدریده عمان و خلیج که مورد یورش خصمانه مزدوران قابوس و اشغالگران انگلیسی و ایرانی بمباری امریکا و رژیم ارتجاعی سعودی و ارتش ملک حسین خان قرار گرفته اند ابراز میدارد، و خلیج دارد که امپریالیسم و سکهای زنجیری اش در بقیع نیز چون وینام محکوم به شکست خواهند بود.

خلق ایران که با تمام وجود از ستمها و آدم کشیهای رژیم شاه درد میکشد، برای خود ننگ میداند که بجای کمک بخلق قهرمان عمان و خلیج، عده ای از جوانان ایرانی را بنام سرباز برای جنگ با انقلابیون گسیل دارند. خلق ما این ننگ را تحمل نخواهد کرد. خلق ما همه این نظامیان را که علی رغم میل خود بجنگ با برادران طبقاتی و هم زنجیر خود فرستاده شده اند، بشمر نسبت با وامر فرماندهان خود فروخته فرامی خواند. سربازان هم وطن ما باید بدانند که برادران انقلابی ما در خلیج دشمن آنان نیستند بلکه این رژیم بیگانه پرست شاه است که دشمن خلق های ایران و عرب میباشد. ما هموطنان سرباز خود را فرامیخوانیم که ننگ تجاوز بخلق در زنجیر خود را تحمل نکنند و بصف انقلاب پیوندند و با سازمانهای انقلابی ایرانی و با «جبهه آزادیبخش عمان و خلیج» متحد شده سلاح خود را بروی دشمن مشترک که امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و مزدوران محلی آنها میباشد نشانه روند.

هموطنان کارگر رنجبر ما در خلیج که از ستمها و بدبختیهای ناشی از حکومت شاه آواره ذیبار غربت شده و برای بدست آوردن یک لقمه نان شب و روز سختترین رنجها را تحمل میکنند، برادران طبقاتی و هم زنجیر خود کارگران عرب هستند. ما همه برادران کارگر خود در خلیج را بهمدردی و همبستگی بیشتر با مبارزه خلق مستمدریده عرب فیرا میخوانیم. بدون شک کارگر مستمدریده ایرانی بیک کارگر مستمدریده عرب نزدیک تر است تا به یک سرمایه دار ستمگر ایرانی. کوشش رژیم شاه و دیگر مرتجعین، اخیرا در منطقه خلیج افزون شده و دست ببحریکات و تبلیغات برای ایجاد اختلاف بین زحمتکشان ایرانی و عرب زده اند. این چنین توطئه های ضد خلقی را باید با آگاهی و هم بستگی هر چه بیشتر بین خلقهای زحمتکش ایرانی و عرب خنثی نمود و همه کوششها را در مبارزه با دشمنان خلق یعنی استعمارگران و نوکران آنها باید بکار برد.

خلق ما با تمام وجود مبارزات رهایی بخش خلق برادر عرب در عمان و خلیج احساس همبستگی میکند و خود را در سختیهای ناشی از محاصره و تهدید حمله احتمالی علیه جمهوری دموکراتیک خلق یمن (که بحق هانوی انقلاب در منطقه خلیج است) و همچنین محاصره و کوشش برای حمله همه جانبه علیه انقلاب رهایی بخش خلق عمان و خلیج برهبری «جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج» شریک میداند. خلق ما وظیفه خود میداند که در اینس موقعیت حساس هر چه بیشتر در تحکیم پایه های

بقیه اعلامیه سازمان آزادیبخشی

شرکت دختران و زنان ایران در مبارزه روز بروز ابعاد تازه‌ای پیدا میکند هم اکنون بیش از ۷۰ نفر از این مبارزین در زندانهای ساواک و شهرهای بسر می‌برند .

وضع زندگی اکثریت توده‌های مردم بعلت استثمار بی حد و حصر ارتجاع و امپریالیسم و گرانی و جستنک روز بروز دشوارتر میشود و نارضایتی توده‌ها بشکل مبارزات فردی و گاه حتی دستجمعی بروز میکند و چهره واقعی رژیم و ماهیت او و همه وعده و وعیدهای دهساله باصطلاح « انقلابی » ارتجاع برای عقب افتاده‌ترین اقشار توده‌ها نیز آشکار گردیده است . از نظر شرایط بین‌المللی نیز اوضاع مساعدی برای رشد نیروهای انقلاب فراهم گشته که از جمله مهمترین آن شدت گرفتن تضاد بین امریکا و روسیه در منطقه است . درگیری هرچه بیشتر زمامداران ایران در نابسامانی های داخلی و شونیسم عظمت طلبانه و برنامه‌های پر خرج و کموشکن نظامی هر روز زوال این دستگاه پوسیده را نزدیک تر میسازد . اکنون روشن میگردد که تیرباران و شکنجه و کشتار و توطئه‌های دستگاه حکومت خودکامه درست از موضع ضعیف او ناشی میشود و دلیل گویای دیگری بر ضعف اوست نه قدرت ! ارتجاع بخوبی میداند که بر اوضاع باصطلاح مسلط نیست اما همچون دیوی که مرگ محتوم خود را باور ندارد دست به توطئه گری میزند .

سربوشت مبارزه نه در زندانها بلکه در بیرون آن و عرصه نبرد تعیین میشود . اما مبارزه زرقا و هموطنان دربند بعنوان بخشی از کل مبارزه خلق ایران و بخصوص در شرایط آغاز مبارزه دارای اهمیت خاصی است . همه ما مبارزین راه خلق و کمونیستها هرگز نباید فراموش کنیم که در این مبارزه نازی شیوه مشت در مقابل مشت بکار بریم و پانشاروی روی افکار و خط سیاسی سازمان خود و پانشاروی روی امر مبارزه مسلحانه کنیم . هم اکنون در زندانها آشوب برپا است . رفقای دربند در همه زندانها در مقابل توطئه و فشار دستگاههای امنیتی در سخت‌ترین شرایط به مبارزه خود ادامه میدهند . پورش اخیر رژیم به روشنفکران انقلابی و دستگیری آنان و مبارزه آنها در زندان نمونه دیگری از این مبارزه است . اکنون حکومت شاه خود را برای محاکمه باصطلاح علنی فقط دوازده تن از این مبارزین آماده میکند ، دادگاههایی که ماهیت غرضی بودن آن برای خلق ایران روشن است . ارتجاع باید بداند که اینگونه خیمه شب‌بازها با زدن زنده نبوده و آشکار کننده توطئه‌های ضد خلقی میباشد . بهرحال این يك مبارزه است . آنها که به خلق می اندیشند از این مبارزه سربلند بیرون خواهند آمد .

درد به زندانیان قهرمان و مبارز درد به شهدای راه آزادی خلقهای ایران زنده و جاوید باد همبستگی همه نیروهای انقلابی خلقهای ایران

بیروز باد مبارزه مسلحانه تنها راه آزادیبخش خلقهای ایران .

بقیه درباره سازمان آزادیبخش

کردن او و اعلام موجودیت ، تصمیم به گروگان گرفتن سفیر امریکا و زنش میکند . در طول تدارک این کار ، اکثر ایردیناه مرفوق میشود که خود را در ساواک بعنوان يك فرد کم اطلاع جلوه دهد و آزاد شود . معولاً با وجود آزاد شدن او ، چون سایر هدفهای عمل بقیت خود باقی مانده بودی نیز مخفی شده و در ط ... در ... سفر شرکت میکند و ...

هنگام اجرا مواجه با شکست میشود . فعالیت گروه در زمینه تماس با توده‌ها خوب بوده و به کار سیاسی و ایدئولوژیک مارکسیست لنینیستی و تعلیمات نظامی و بدنی توجه جدی میشود . تعدادی از رفقا در کوره‌پزخانه کار میکردند . شرکت‌های دامداری در رضایه و مهاباد ، مزرعه در قائن و شرکت ساختمانی ملایر را بوجود آوردند که در آنها عده‌ای از دهقانان و کارگران به کار مشغول میشدند و فرصت کار سیاسی با آنها و از طریق آنها با سایر کارگران و دهقانان بدست می‌آمد .

جریان کشف و دستگیری آنها از طریق ارتباط گذشته سازمانی بعضی از افراد این گروه بوده است . ساواک بعد از بدست آوردن این کلید ، با تعقیب آنها عده زیادی را می شناسد و با دستگیری عده‌ای و استفاده از مدارک بدست آمده (لیست سازماندهی و اعلامیه‌ایلام موجودیت و غیره) عده بیشتری را دستگیر میکند ولی قادر به دستگیری همه نمیشود .

این ضربه برای گروه بسیار شدید بود بطوریکه ادامه کاربقیه رفقا برای مدتی مختل شده بود ولی بالاخره همانطور که شایسته هر مبارز انقلابی است آنها کار را دو باره با قاطعیت و سرسختی بیشتری از سر گرفتند و بالاخره موفق به تجدید سازمان شدند . خبر موفقیت رفقا نه تنها از نقطه نظر ادامه کار يك گروه انقلابی ، بلکه بخاطر نشان دادن درجه رشد نیروهای انقلابی و قاطعیت آنها و درس‌گیری از تجربیات گذشته بسیار حاز اهمیت است .

اعلامیه مندرجه در همین شماره از طرف این سازمان ، سازمان آزادیبخش خلقهای ایران ، جهت اعلام ادامه کار و بیان موضع و اعتقاد به صحت منشی مبارزه مسلحانه کنونی در ایران انتشار یافته است . تردیدی نیست که در این راه حمایت همه مبارزین و توده‌های خلق را با خود خواهند داشت . ما صمیمانه‌ترین دروذهای خود را نثار این مبارزین و همه مبارزین راه انقلاب خلق میکنیم .

در اینجا بيمورد نیست که باذآوری مجددی در مورد تذکر شماره قبل باختر امروز بکنیم . سازمانهایی که در خارج از کشور فعالیت میکنند ميتوانند هر چه میخواهند از خود ، مقاصد و اهداف خود و هر مطلب دیگری که ضروری بدانند اظهار دارند ولی این سازمانها در مقابل سازمانهای داخل کشور باید با مسئولیت بیشتری بر خورد کنند چه آنها در خطوط مقدم جبهه میجنگند و کوچکترین بی‌توجهی ممکن است باعث صدمات زیادی به آنها شود . در مورد سازمان آزادیبخش خلقهای ایران و هدفها و خط‌مشی آن بقدری پراکنده گوئی شده بود که حتی ماهیت آنها برای بعضی ذگروگون وانمود داده شده بود و این کاری بکلی غیر انقلابی و زنده‌است . وانمود داده شده بود که این سازمان مخالف مبارزه مسلحانه کنونی است ، که آنها نسبت به اعمال خود انتقاد دارند و غیره . این اعلامیه به بهترین وجهی ناصحیح بودن ادعاهای فوق را نشان میدهد . تعجب ما وقتی افزونتر میشود که فکر میکنیم کسانیکه شایعه سازی میکنند خود میدانند که بالاخره حقایق روشن خواهد شد ، که نمیشود برای همیشه مسائل را وارونه نشان داد ، ولی معولاً اقتدر کوتاه‌بینی میکنند که فقط بخاطر حفظ منافع تنک و محدودشان و مشوش کردن اذهان عده‌ای کم اطلاع دست به چنین اعمالی میزنند . در حقیقت جلب حمایتی که متکی بر اعمال و اظهارات نادرست باشد خیلی زودتر از آنچه که تصور میروید به ضد خود بدل شده و مواضع شایعه‌سازان را انشاء میکند . امیدواریم که اینها همه درسی‌هایی باشند برای تصحیح شیوه‌ها و نوشته‌ها و احساس مسئولیت بیشتر نسبت به مبارزین جنبش خلق .

بقیه گروه جاوید آرمان خلق

بهین دلیل هنگامی که با فردی بنام مهندس عباسی که از اعضاء یکی از سازمانهای خارج از کشور بوده است برخورد می‌کنند چون خود را از نظر ثنوبك قوی نمی‌دانستند تحت تاثیر او که خود را فرد صاحب نظری می‌نمایانده قرار گرفتند و برای مدتی از ادامه تدارک برای کار سیاسی - نظامی غافل ماندند معولاً کار خود را همچنان در زمینه تماس با کارگران و دهقانان و کوشش برای ایجاد هسته‌های مارکسیستی در کارخانجات و دهات دنبال نمودند . در این زمان اعضاء اولیه گروه در نقاط مختلف کشور پراکنده شدند . کثیرایی که در دانشگاه تبریز قبول شده بود کار خود را در آنجا آغاز کرد ، ناصر کریمی در کارخانه نیشکر آهواز بعنوان کارگر مشغول به کار شد و طاهرزاده و ترگل در دهات آذربایجان و کردستان مشغول به فعالیت شدند . همین پراکندهگی باعث شد که عباسی در غیاب دیگران بیش از حدی که ضروری بود از جریانات مطلع شود .

کریمی دو ۶ ماه اولیه کوشید در کارخانه نیشکر از طریق سر کارگرها در بین سایر کارگرها نفوذ کند ولی موفق نشد . گروه پس از مدتی کار او را بررسی کرد و نظر داد که اشتباه در تعیین معیارها بوده و میباید کار را با کارگران معمولی و فقیر شروع کرد . با اتخاذ این روش و نیز با در افتادن با افراد شاراتان و بعضی از سرکارگرها توانست محبوبیتی بدست آورد و پس از يك سال يك کارگر و زنش را بصورت سسپات در آورد . در همین مدت که عباسی میکوشید در غیاب دیگران کنترل کار را بدست گیرد . کثیرایی در تبریز با چربکهای فدائی خلق آشنا شد و در اثر تماس و آشنائی و بحث ضرورت کار سیاسی - نظامی که برای مدتی معوق مانده بود در نظر او بیشتر شد . پس از تماس و بحث وسیع با سایر رفقای گروه و ارزیابی نتایج کار ، گروه علیه خط انحرافی عباسی موضع گرفت . عباسی که فردی بسیار خرد خواره بود عکس‌العمل نشان داده و پس از ازدواج با يك دختر که فاقد شعور سیاسی بود برای گذراندن ماه عسل بخارج میروید و بعد هم که در مراجعت دستگیر میشود خیانت میکند .

اولین عمل چربکی گروه مصادره بانک (۱۰ هزار تومان) بود که با موفقیت انجام شد . در این ضمن رابطه با چربکهای فدائی بیشتر و بیشتر شد تا جائیکه گروه تصمیم گرفت با چربکها وحدت سازمانی باید ولی چنین عمل شناسائی يك بانك دیگر را (بانک ملی جاده آرامگاه) قبلا کرده بودند گروه اظهار تمایل کرد که این عمل را نیز تمام کند . بنابر این در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۴۹ اقدام به مصادره بانک میکنند ولی متاسفانه بهرام طاهرزاده و کریمی دستگیر میشوند . رژیم در ابتدا تصور میکرد که با عده‌ای سارق روبرو است و همانوقع جریان در روزنامه‌ها نوشته شد - ولی پدر کریمی بخاطر دفاع از شرف فرزندش مسئله دزد نبودن وی را به ساواک میگوید و نام ترگل هم در این جریان لو میروید . به این ترتیب رژیم قادر شد با این اطلاع و اطلاعاتی که از عباسی گیر آورده بود (وی حتی چربان بانک اول را که رژیم نمیدانسته رو کرد) عده دیگری را دستگیر کند . دفاع و مقاومت رفقا در زندان از درخشانترین و با شکوهترین حماسه هائیبست که تاریخ مبارزات خلق ما بیاد دارد . دلاوری کثیرایی و کریمی - دفاع جانانه ترگل - مقاومت بینظیر طاهرزاده و مدنی اسانه‌هایی پرشکیه و نشانه‌هایی از عزم و دلاوری مبارزین و آشنائی ناپذیری خلق و رزمندگاناش با رژیم ددمنش میباشد . و اهمیت این حماسه‌ها ، در حد مقاومت و دفاع محدود نماند و ماندنی نبود . رفقاییکه دستگیر نشده بودند با پیگیری و عزمی آهنین مهمترین خیراست گروه را عملی کردند و با ادامه راه مبارزه سیاسی - نظامی ، گروه خود را جاودانی ساختند . و جاوید باد راه آنها و حماسه آنها .

نمونه صبر و شجاعت از خود نشان دادید بها شور و استقامت میبخشد . امروز شنیدیم که مادر قهرمان را دشمن به سبب نظاهراتی که در دادرسی ارتش به راه انداخته دستگیر و روانه شکنجه گاه اوین ساخته است و علاوه بر اینها خاله شجاعم و خواهران و مادران دیگری نیز دستگیر شده‌اند . من امیدوارم که دشمن چه تصمیمی دارد ولی میدانم که همه آرزوهایش در تسلیم ساختن شما عبت نخواهد بود . فرداست که رژیم در مقابل موج خشم مردم چاره‌ای جز توسل به زور و یا دست کشیدن از اینگونه جنایات نداشته باشد . رژیم در حال حاضر این خسروها را بکار گرفته است و اقصند دارد با ترساندن مردم آنها را از حمایت جنبش بترساند . ولی مگر مبارزه متعاقب بهاست که رژیم سعی دارد مردم را از حمایت ما بترساند . تا ظلم هست ، تا فلاکت و بینوایی هست ، مبارزه هم هست . وقتی که توده‌های بیثوا در جنال مرگ و زندگی ، زندگی خود را چیزی جز مرگ ندیدند مرگ شرافتمندانه را بر زندگی سسپاه و برده وار ترجیح خواهند داد . مگر این ما بودیم که کارگران جهان جیت و بلورسازی و کوره پزخانه و کفش ملی و شیر باستاندین هینو و شکو مارس را تحریک کردیم که دست به اعتصاب برای افزایش دستمزد خود زدند . ترس و وحشت ، یاس از پیروزی ، همیشه قربانیان را از میان کسانی انتخاب میکند که نمیدانند از مبارزه خود چه چیزی را طلب میکنند . کارگری که نان طلب میکند ، و مردمی که تحت فشار مشقت بار زندگی جان میکنند از چه چیز میخواهند ترسند ؟ از سختی و گرمسگی و بیکاری که رژیم آنها را تهدید بان میکند ؟ آنها که خود بیکار و گرمسند هستند .

انگامی به کارنامه دوساله جنبش جوان ما بخوبی این حقیقت را نشان میدهد که رژیم قادر نیست جنبش را نابود کند . تضادهای اجتماعی که معمول غارتگری و دزدی و تجاوز آنهاست همواره شرایط مبارزه را آماده تر میکند . ستم و بیاد و خونریزی که شاه پراه انداخته است را اکنون مواجبه با امواج عراض داخلی دانشجویان و خشم مردم و اعتراضات جهانی کرده است . فساد و تباهی که گرمسنگی گردانندگان رژیم و دزدان دوبراری است چگونه میتواند برای مدت زیادی بدون توسل به خونریزی و خشونت و زندان دوام پیدا کند . پس میبینید که هلاکت ، سرنوشته حتی آنهاست . مگر آن کارگر و دهقان و آن مردمی که از شدت فقر و گرمسگی و فساد بفریاد آمده‌اند فریب تبلیغات رادیو ایران و روزنامه‌ها را خواهند خورد ؟ من قسمم این نبود که در این نامه باین مسائل بپردازم ولی احساسی کردم که نیایستی در مقابل این امواج سیل زار دروغ پراکنی و تبلیغات رژیم سدی بنا کنیم و این سد ، آگاهان ما به ماهیت دشمن و شناخت شرافت و اصالت دوست و امید به پیروزی است .

... پدر و مادر قهرمانم ، من هرگز بخودم اجازه نمیدهم که شما را بخاطر داغی که بر دل دارم تسلی بدم . ما طی این دو سال مردان ارزنده‌ای را از دست دادیم ولی نکته مهم اینست که آنها برای ما تجارب و اندیشه‌هایی باقی گذاشتند که امروز ما با توان آن تجارب و اندیشه‌ها قدم بر میداریم . مهدی و احمد نیز از بین جوانان شریف و گرفتار بودند که نه تنها بر روی برادرانشان برادران مجاهدشان ، بلکه بر روی بسیاری از مردم اثرات مثبت و سازنده از خود باقی گذاشتند . آنها با دلیری و گمنشت و فدکاری خود و بر انجام با حماسه شهادتشان نامشان تا ابد جاویدان شد . فیالبت و تحرکی که احوال بعد از شهریور در سازمان دادن برادران باقیمانده از خود نشان داد و بر خورد جدی و قاطعش با مسائل برای همه ما نمونه بود . و امروز همه ما با افتخار از او یاد میکنیم . مهدی از خود متفاوتی بینظیر

خلق

تک واژه‌ی وجودی هر چریک

تک واژه‌ای بر طنین
هرگز چنین شگرف و ژرف واژه‌ای نبود
پیشانی بلند اخلق
در زیر سلطه‌ی یانکی ، در زیر بار فقر ،
گمنشته است بر شکنج
در پرتگاه « آینه کهنسال خفت و ترس »
مهر سکوت بلایش نقش بسته است
اما

هر شکنج چهره‌اش فریاد می‌زند
آب بود باد اهریمنان جهانی فقر و بردگی
نابود باد مزدور سگ صفت شاه پایید
طوفان این نوا می رسد بگوش هر چریک
« امیلهای فرو خفته » با درد سرد خلق
چون شعله‌های خشم ، زبانه میکشد
در خون پیششاز .

این خون بیششاز
هر روز گرم‌تر
هر روز پال‌تر
هر روز با امید فزون‌تر
میدود در تار و پود هر چریک
در لحظه‌ای شگرف

در لحظه‌ای که امید هزاران نوا باوست
در لحظه‌ای که کین همراه خشم خلق
در تجلی که وجود ظاهر شود
نبروی جاودان خلق

از پنجه‌های فداانی
بر روی دستهای کشیده
در روی ماشه است .
پاهای او

با گام‌های استوار
ره می‌کشد بسوی صبح
صبح شهادت یک رفیق
صبح امید ، صبحی که خلق خواسته است
صبح آرزوی هر چریک .

نشان داد و در زندگی کوتاه و انقلابی مراحل زیادی را طی کرد و عمر پر ثمری داشت . روحیه مهدی واقعا تعجب آور بود . وقتیکه او را بعد از آنکه شکنجه بحالت فلج در سلول انداخته بودند مهدی با همان پاهای سوخته از دیوار سلول بالا رفته بود و اسمش را بر طاق سلول نوشته بود که باعث تعجب دشمن شده بود که چگونه مهدی توانسته است با اینهمه زخم از دیوار راست بالا برود . همین روحیه بود که سرانجام شکنجه مرش را از پا در آورد . حتما میدانید که ناصر خدایاری که در تمام مراحل مهدی را شکنجه میداد وقتیکه مهدی را در زیر شکنجه کشت دچار جنون شد و سپس با سکنه قلبی بدرد رفت . اینست روحیه یک مجاهد زنده . ناصر خدایاری گفته بوده است (اینجا دو بصر جا افتاده) آنگاه شدید است که هر کس از برادران مجاهد را که گرفته‌اید یا خشم و کینه پیش او از ما یاد کرده‌اند . که مثلا دیدی چطور روده‌های احمد را دادیم مریه خورد . چطور مهدی را کشتیم . . . میگویند خدایاری باو گفته بود که اگر حرف بزنی و محل بچه‌ها را بگویی ، محل قرارها را بگویی تو را تیرباران میکنیم و مریه زیر شکنجه میکشیم و مهدی این معامله آخر را هم نپذیرفت . میدانید که مهدی خانه جمعی برادرانش را میدانست و هنوز از آن خانه استفاده میشود و اخیرا آنرا عوض کردیم . امروز حماسه مهدی زبازد همه برادران مجاهدش میباشد و مهدی قهرمان را همه آزیخاخوان و همه مردم شریف که از شهادت مصومانه‌اش بدرد آمدند میشناسند . . . علاقه‌مندیم به عوض هر نوع آندوه و دریغ افتخار و سربلندی نصیب شما باشد و با روحیه و شجاعتی که تا کنون از خود نشان داده‌اید نمونه‌ای راستین از مقاومت و استواری از خود بسازید . این را یقین داریم که شما چنین هستید .

با توجه به حقایق که نسبت به جنایات استعمار انگلیس و ناست ناسادگان آن بر شمردیم ، خطاب به همه وجدانهای آزاده و انسانهای شریف میگویم : ای انسانهای آزاده و شریف : اگر خواستار حفظ حیثیت انسانی خود هستید ما از شما دعوت میکنیم که به اینجا ، به طغیان بیاید تا چشم خود واقفیت این جنگ کثیف و خد انسانی را تماشا کنید ، تا این جنگ دریابید که این جنگ استعماری - ارتجاعی چگونه تجاوز این چینیکاران را بحقوق انسان نشان میدهد .

ما از شما انسانهای آزاده و شریف میخواهیم که منتهای کوشش خود را بکار برید و نگذارید که کودکان شیرخوار را بکشند ، نگذارید زنان حامله را بکشند ، نگذارید سالخوردهگان ما را بکشند . ما از همه انسانهای آزاده میخواهیم که بر حکومت مستط به هر نوع که میتوانند فشار وارد آورند تا از محاصره اقتصادی روستاهای طغار دست بردارند . محاصره‌ای که کم و بیش هفت سال است ادامه دارد .

ما بنام کودکانی که از گرمسگی میمیرند ، بنام زنان خانه‌ای که بیهوشی و بی‌عدالتی آنها را دارد نابود میکنند از شما انتظار کمت اساسی داریم .

جنسمان کودکان معصوم بسوی وجدانهای بیدار و انسانهای آگاه است . آنها از شما انتظار بان و دود دارند ، ما بنام همین کودکان ، حد اقل حقوق انسانی را انتظار داریم : آندکی نان برای کودکان - فقط برای کودکان .

باختر امروز - امیدواریم فراخوان فوق مورد توجه همه جانبه همه ایرانیان مترقی و استعدوست قرار گیرد شاید کمترین انقلابی در دنیا تاکنون اینهمه مورد پیوجهی قرار گرفته باشد و کمتر انقلابی به این شدت نیاز به کمک داشته باشد . زمانی که وضع به اینگونه است که در فراخوان تشریح شده و مناسفانه منبع کمک جدی هم وجود ندارد وظیفه یکایک ما از همیشه سنگینتر خواهد بود .

.. شرایب همواره این سوال برایتان مطرح باشد که من چگونه زندگی میکنم . آیا مواظب هستم که بدست پلیس نیافتم و . . . من بخواست خدا از سلامت کامل و فوق‌العاده جسمی برخوردارم و کلیه نا راحتی‌هایی هم کمتر گمنشته داشتم رفع شده است . از نظر حفاظت از خود و برادران مجاهدم تا آنجا که تجربه در دست داریم بکار میبینیم و دقت میکنیم و شاید بهترین دلیل هم این باشد که اخیرا ضربه‌ای نخورده‌ایم . تا بحال چندین خطر مرگبار را از سر گذرانده‌ام که لازمه کار ماست ولی بخواست خدا بسلامت جستم و تا آنجا که خدا بخواهد و خودمان هم دقت کنیم خواهیم توانست خطرات را از سر بکناریم . دشمن تا کنون ذره‌ای نتوانسته است از جنگ روانی که بر علیه ما راه انداخته است استفاده ببرد . شاید گرفتاری‌هاییکه برای شما بوجود میآورد همگی بخاطر ضربه زدن بما از لحاظ روانی باشد ولی کور خوانده است . مردان انقلابی روحیه قوی‌تر از آن دارند که دشمن با حیل‌ها و رفتار خودش بتواند آنها را از پا در آورد . روحیه قوی و امیدواری که اکنون بر همگی برادران مجاهد حاکم است و متانت و صبری که از خود در حل مشکلات نشان میدهند و شادی بهره‌وری که از انجام وظیفه به آنها دست میدهد میتواند روحیه دشمن را در هم بشکند . همین روحیه است که شکنجه گر را میکشد . همین روحیه است که ساواک را با این سوال مواجبه میشود که چرا این بچه‌ها در مقابل اینهمه شکنجه هرگز حاضر به سازش و دست کشیدن از آرمان مقدسشان نمیشوند . امروز بمد حمایتی که از جانب مردم از ما میشود ، بمد تجارب دو ساله خودمان و بمد تلاش و حرکت خستگی فاپذیر برادران مجاهد ، این نمونه‌های سرسختی و دلیری ، گذرگاه پیروزی را میشکافیم و به پیش میرویم .

اخبار

☆ حيله‌ها و متدهای تازه اختناق - رژیم ایران در مقابل مبارزه دانشجویان دست به حيله‌های مکارانه جدیدی زده است از جمله در دانشگاه تهران شایمانی رواج داده که مطابق آن عده‌ای از دانشجویان مبارز را متهم به « سازمانی بودن » کرده است و به این ترتیب در اکثر دانشکده‌ها باعث بروز اختلافات و حتی زد و خوردهایی در بین صفوف دانشجویان شده است . مهمترین این زد و خوردها در دانشکده ناندانیزشکی اتفاق افتاده است و سپس شایع کرده‌اند که زد و خورد بر سر مسائل مذهبی بوده است . رژیم برای سلب امکان تحریک دانشجویان در هنگام تظاهرات ، درهای شیشه‌ای دانشکده پزشکی را با میله‌های آهنی مثل زلندان تعویض کرده است . همچنین در هنگام تظاهرات از ماشینهای رنگ‌پاشی استفاده میکنند و سپس در خارج دانشکده ، دانشجویانی را که لباسشان رنگی شده است دستگیر میکنند .

☆ در اواسط شهریور ماه يك گروه مذهبی که همگی جوانان در حدود پانزده ساله بوده‌اند در سبزوار دستگیر شده‌اند .

☆ رئیس شوربانی آبادان چند روز پس از درگیری چریکهای فدائی حلق در آبادان که منجر به شهادت ایرج سپهری و فرار دیگری میشود ، از کار برکنار میشود و این خود نشان دهنده ضربه سختی است که در این جریان به دشمن وارد شده است .

☆ مستوره احمد زاده خواهر احمدزاده‌های شهید را مجددا دستگیر کرده‌اند . وی در زندان اوین شدیداً تحت شکنجه است . گفته میشود رژیم شرط خلاصی او را از زندان و شکنجه منوط به مصاحبه تلویزیونی کرده است .

☆ بلایبال تشکیل جلسات مذهبی از طرف برخی از افراد نیروی هوایی که منجر به بحثهای ضد رژیمی شده است ، اخیراً به افراد نیروی هوایی دستور داده شده است که در جلسات مذهبی شرکت نکنند .

☆ طبق اطلاع مجله امریکائی نیوزویک ، دولت ایران ، متعابله به خرید چندین فروند از هواپیماهای بوئینگ ۷۴۷ برای حمل و نقل میباشد . قیمت هر فروند از این هواپیماها ۲۵ میلیون دلار است . نکته قابل توجه اینست که دولت ایران زمانی « متعابله » به خرید چنین هواپیماهایی شد که پنتاگون دریافت که تجهیزات حمل و نقلش برای ارسال مهمات به اسرائیل کافی نبوده است . بدون شک برای پنتاگون هیچ شریکی بهتر از شاه ایران نیست .

☆ یادبود ۱۶ آذر - امسال نیز مراسم یادبود ۱۶ آذر همراه با اعتصابات وسیع دانشجویی برپا شد ، برای مدت يك هفته هیچ کلاسی در دانشگاه تهران تشکیل نشد و يك هفته دیگر هم کلاسها نیمه تعطیل بودند . يك بار دانشجویان سعی کردند که يك اتوبوس متعلق به رژیم را آتش بزنند ولی گاردیها ریختند و مانع شدند . یکی از شعارهای تازه اعتصابات امسال این بوده « این خوک امریکائی باید اعدام گردد » . دانشجویان رشته ریاضی دانشکده علوم هنوز در اعتصاب هستند . از قرار معلوم ترم دانشجویان آریامهر منحل شده است . پلی تکنیک بصورت نیمه تعطیل در آمده و زد و خوردهای بسیار شدیدی در دانشکده علوم و صنعت بوقوع پیوسته است . در جریان این اعتصابات اقلای سه نفر از دختران سال پنج پزشکی و تعداد زیادی از دانشجویان بسر سالهای پائین دانشکده‌های فنی ، علوم و پزشکی دانشگاه تهران دستگیر

☆ عبادالله خدا رحمی - بهمن منشط - حجت‌الله عابدلی - ماشاالله سیف - ولی‌الله سیف - روح‌الله سیف شهدای اخیر اخلق ما هستند که بدست شاه جلاد و جبرون و عوایل مزدور او در سحرگاه ۳۰ بهمن تیرباران شدند . رژیم سفالک و ترسو ، رژیم ددمنش جانیکار ، فقط پس از بخله ریختن خون این مبارزین دلیر خاق جرات اعلام دستگیری و محاکمه آنها را در خود دیده ، زمانی که به پندار خامش دیگری برای او خطری ندارند ، غافل از آنکه از خون این شهیدا ، هزاران مبارز دیگر خواهد روئید .

☆ رژیم ایران در ۲ بهمن با آب و تاب فراوان خبر کشته شدن يك « ابرابکار » را بنام حسن نوروزی در طی زد و خوردی در لرستان اعلام نمود . بادعای رژیم نامبرده در حادثه‌ای که منجر به شهادت رفیق ایرج سپهری گشت ، نیز شرکت داشته است .

☆ مبارزات دلیرانسه دهقانان الیگودرز در سال گذشته برای رژیم بسیار آگران تمام شد . اکنون رژیم میکوشد و انمود کند که دلیل تشووش‌ها و اعتراضات صرفاً فعالیت « ابرابکاران » است و بدین طریق مسئله فقر و استثمار وحشتناک و افاش شدن بیشتر ماهیت اصلاحات ارضی را برای دهقانان بیوشانده . بولی حقیقت نه از نظر دهقانان و نه سایر طبقات و اقلات تحمکتش پنهان نبوده و نخواهد ماند . شورش های دهقانی ، اعتصابات تارگری رو بغزونی خواهد بود و بیوند خلق و پیشسازگانش هر روز مستحکمتر .

☆ بدنبال تصفیه دامنه داری که هلمز جاسوس امریکا در موسسات امنیتی کشور کرده است ، بیش از ۶۰ نفر از مامورین ساواک در سراسر کشور دستگیر شده و ۶ نفر آنان در خوزستان تیرباران شدند ۱- شیخ فیصل اسد خان ۲- شیخ طهران الکعبی ۳- غریب ۴- زهرا الزهرانی ۵- ستار عبدالعلی ۶- لفته حسون رژیم و وحشت زده از گسترش مبارزه ، از امکان کسب اطلاع پیشین مبارزین نه تنها به سمت نیروهای خلق پورش می‌آورد بلکه حتی به پشتیبانان و عوامل دست نشانده خود نیز نمیتواند اعتماد کند و به جاسوسی مانند هلمز که در مقام سفارت امریکا به ایران اعزام شده متوسل میشود غافل از اینکه تضادها را با توطئه و تصفیه نمی‌توان از بین برد . اینها تلاش های ملذوحانه ارتجاع در واپسین احتضار است ولی مرگ محتوم را نمیتوان جلو گرفت .

☆ دانشجویان غیور دانشگاهها و دانشکده‌های ایران همچنان به مبارزه خود ادامه میدهند . موج جدید مبارزه در دانشگاه تهران در آذر ماه ، از روز سخنرانی محمود دولت‌آبادی ، که بوسیله خود دانشجویان ترتیب آن داده شده بود ، شروع شد . قرار بود سخنرانی در ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر در سالن دانشکده پزشکی شروع شود ولی از ساعت ۵/۱۵ تعداد کثیری از افراد گمارد غیر دانشگاهی به اطراف سالن ریختند و درهای آن را بستند و تعداد زیادی از دانشجویان را که در اطراف در اجتماع کرده بودند به زور و کتک عقب زدند . عده‌ای از دانشجویان از يك لحظه غفلت گاردیها استفاده کرده و با شکست قفل در داخلی سالن سخنرانی ، بداخل سالن رفتند که با فریادهای شادی و هیجان دیگر دانشجویان استقبال شدند ولی همه دانشجویان نتوانستند بداخل سالن راه یابند و تا لحظه آخر سخنرانی اطراف سالن پوشیده از « گاردیها » بود .

☆ پلیس شرکت نفت آبادان در اعتصاب بسر می‌برند . علت اعتصاب ، امتناع به ساعات

نارضائی های کارگران و مردم و بخصوص شهادت بیشتر در ابراز آن رژیم مجبور به تقویت بیشتر نیروهای پلیس شده است ولی از ترس نفوذ مبارزین قادر نیست که عده زیاد جدیدی را انتخاب کند لذا پلیس را مجبور کرده است که بطور متوسط روزانه ۱۴ ساعت (و حتی در مواردی در آبادان ۱۶ ساعت) کار کند . بدیهی است که پلیس نمیتواند این مسئله را برای مدت زیادی تحمل کند و ناچاراً دست به اعتصاب زده است . اینها همه مشکلاتی است که تشدید مبارزه مردم برای رژیم ایجاد میکند و خود موجود رشد يك سلسله تضادهای جدید در صفوف حامیان رژیم میشود .

☆ رژیم از گسترش مبارزه به روستاها بیمناک است و میکوشد تا با جابجا کردن روستائیان و جمع کردن آنان در محل های « مطمئن » و « قابل کنترل » خطر را از بین ببرد ، نظیر این برنامه در ویتنام جنوبی با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد ولی رژیم ایران میخواهد اقبال خود را نیز امتحان کند . برنامه « شهرک » سازی که باسر و صدای زیاد شروع شده با مخالفت و مبارزه جدی روستائیان روبرو شده است . از جمله در چند ناحیه شروع شده است بطوریکه رژیم برنامه را در این دهات فعلاً مسکوت گذارده است .

☆ دولت ایران اعلام کرده است که یکی از اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق بنام مجتبی خرم آبادی برادر فدائی شهید مهتس احمد اخرم آبادی روز دوازدهم آسفند مصادف با سومین سالروز تیرباران گروهی از قهرمانان فدائی خلق - در زد و خوردی که سه ساعت طول کشید در تهران به شهادت رسیده است . ما از کم و کیف این واقعه خبر نداریم اظهارات رژیم در این مورد و در مورد شهادت رفیق حسن نوروزی بقرض صحت خود موید قاطعیت و ایمان رفقا براه خود ، مبارزه و دفاع مسلمانانه در مقابل رژیم خوانخواه ایران است .

☆ دانشگاه تهران از تاریخ ۶ بهمن تاکنون تعطیل است . اعتراضات دانشجویان نسبت به محاکمه مبارزین و روشسختن شدن کم سابقه ای دست . در تاریخ ۱۷ بهمن سه افسر پلیس در تهران به صرب کابوه از پی در آمدند و تهران تحت بیسابقه ای بحسود گرفت . در ۲۸ بهمن تظاهرات دانشجویان که در اعتراض به حدم دادگاه تجدید نظر گروه گلسترچی - دانشسین بود مورد حمله بسیار تشدید پلیس قرار گرفت . رژیم با آگاهی از امکان توسعه زد و خورد ها و موج اعتراض در سراسر کشور دست به اقدامات احتیاجی زیادی زده است .

بقیه بیانیه مجاهدین

انقلاب مسلحانه توده‌ای بکوشد و سهم خویش را در انقلاب سراسری خلیج از طریق مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع در ایران فعاله ایفا نماید . خلق ما مصرانه همه نیروهای انقلابی و آزادی‌خواه در جهان و بخصوص در منطقه را با ایجاد جبهه‌ای برای پشتیبانی از حکومت انقلابی بین دموکراتیک و انقلاب مسلحانه در عمان فرا میخواند .

زنده باد وحدت بیکارگران علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع در منطقه

سرتگون باد رژیمهای دست نشانده در ایران ، سعودی ، اردن و عمان

بر افراشته باد پرچم نبرد دراز مدت رهائی بخش خلق در ایران ، خلیج و فلسطین

